

مراحل شاخص مشاوره مسیحی
مرحله دوم: گشایش
فصل سیزدهم

**Critical Stages of
Biblical Counseling**

نویسنده: جی آدامز
مترجم: شاهرخ صفوی

پیشگفتار مترجم

جزوه ای که در دست دارید، ترجمه کتاب "مراحل شاخص مشاوره مسیحی" است. این کتاب شامل بیش از سی فصل می باشد و انتشار تمام کتاب بصورت یک فایل اینترنت خردمندانه نیست. به ناچار فصل های این کتاب بصورت جداگانه انتشار یافته اند. دعای من این است که ایمانداران فارسی زبان از طریق این کتاب، آشنائی بیشتری از مراحل عملی اجرای کلام خدا بدست آورند. شخصی که به مشاور مسیحی رجوع می کند در این کتاب "مقاضی" نامیده شده، و شخص مشاور نیز "مشاور" نامیده شده است. شاهرخ صفوی

فهرست

مقدمه

مرحله اول آغاز کار

مرحله دوم گشایش

مرحله سوم اهداف پایانی

مرحله دوم

فصل سیزدهم

متقاضی خود را سرسام ندهید

من در این سه قسمت از کتاب مباحث بسیاری را مطرح کرده ام؛ شاید بگوئید بیش از حد. ممکن است از خود بپرسید ”چگونه انتظار دارد من تمام این مباحث را بخاطر داشته باشم؟ بنظر غیر ممکن می آید.“ اما اجازه بدهید مخالفت کنم. اگر شما شخصی هستی که خدا به خدمت گمارده باشد، با فیض و حکمت او می توانی بیاموزی، رشد کنی، و پیشرفت خود را نشان بدهی. من تنها امور اساسی را نام برده ام، و بیش از اینها می توانستم بنویسم، و در کتاب های دیگر آنها را ملاحظه می کنی. آنچه در دست دارید را نیز سعی کرده ام مختصر و واضح بیان کنم.

بیاد داشته باشید که در این سه قسمت از کتاب کارم تجزیه و تحلیل روش های مشاوره مسیحی بوده. ”تجزیه و تحلیل“، احتیاج به جدا ساختن اعضا موجود دارد تا بتوان هر یک را بطور جداگانه مشاهده کرده و تحلیل کرد. شما اتوموبیل را نمی توانی با قست های جداگانه راه بری (مگر اتوموبیل شما مثل اتوموبیل من باشد!)، تنها اتوموبیلی که تکه هایش بهم وصل شده را می توان راند (شاسی، گیر بوکس، مخزن بنزین، و غیره همراه دستگاه برقی طوری با هم متصل و تنظیم شده اند تا کار هر یک مکمل دیگران باشد و اتوموبیل بطور کامل بتواند کار کند). قسمت های مختلف مشاوره نیز به همین شکل باهم کار می کنند تا بر درون شخص میوه آورند. آنچه به این شکل می آموزی، زمانی که مشاوره می کنی (۱) باهم متصل می گردند.

آنچه در این کتاب نوشته شده را مشاوران مسیحی بیش از سی سال است که مورد استفاده قرار داده اند. اگر از آنها بپرسی چگونه آموختند این کار را بکنند خواهند گفت، ابتدا بسیار مشکل بنظر می رسید، اما پس از آنکه بتدریج آموختند، آنچه امروز انجام می دهند به شکل عادت صورت می گیرد. همیشه در ابتدا، زمانی که انسان در حال آموزش است، مسئله فراموش کاری بوجود می آید. اما پس از مدتی، همه چیز آسانتر می شود و روزی می رسد که همه چیز بیاد می آید. یک راه این است که آن قسمت از کتاب را که مشکل دارید بیاد بسپارید را چند بار پس از دعا بخوانید. در وقت خود، شما نیز شاهد خواهید بود که همه چیز بهم متصل شده اند.

اما آنچه مطرح می باشد آن است که در جلسات پس از گشایش، سعی نکنید کار های زیادی را انجام دهید. اگر بیاد داشته باشید که شما خود چه مشکلی داشتید چیز های تازه را بیاموزید و بیاد آورید، باید توجه به چنین موردی در خصوص متقاضی خود نیز بکنید. و او ممکن است بقدر شما وقت نداشته باشد. متقاضی شما نیاز دارد آنچه بدست آورده را جمع کرده بهم متصل نماید. در نتیجه بهتر است حواسش را متوجه افکار و طریق های تازه ای که تا بحال آموخته بکنید. اگر شما بخواهید همزمان، به مسائل فرعی که وجود دارند نیز رسیدگی کنید، نه تنها دوره مشاوره را طولانی کرده اید، بلکه متقاضی را متکی به خودتان کرده اید، و با کثرت موضوعات، متقاضی را سرسام داده اید. بهتر است مسائل اساسی را حل کنید، و سپس نشان بدهید چگونه هر یک حل شده اند، و افکار و روحیه تازه ای را بجای بگذارید تا بتواند هر بار در مقابل مسائل دیگر، به تنهایی از آنها استفاده کند.

بعنوان مثال، اگر زن و شوهری یاد گرفته اند چگونه از میز مشاوره خانگی (فصل نهم صفحه ۴) استفاده کنند، باید بتوانند مسائل گوناگونی را حل کنند. دلیل دیگری برای آنکه خواسته ام از کتاب ”پنج شنبه چه کنم“ استفاده شود این است که متقاضی را زمانی که مسائل پیش می آیند، در مسیر استفاده از کلام خدا قرار بدهید.

من آموزشی که خود بدست آورده اید را با آنچه متقاضی شما می خواهد بدست آورد مقایسه کرده ام و خواسته ام که او را با کثرت موضوعات سرسام ندهید. شاید به این شکل متوجه آنچه در نظر دارم بشوید. اما جایی هست که مقایسه پایان می یابد. شما مشاور هستید (یا خواهید بود). او متقاضی است. احتمالاً، با وجود آنکه نیاز به آموزش بیشتری هست، زندگی روحانی شما در راه صحیحی ادامه دارد. اما متقاضی از راه منحرف شده است. او ضعیف شده و زخم های زیادی هست که باید شفا یابند. شما شاید مدتی است که این کار را در رابطه با خود دارید انجام می دهید. ولی متقاضی ممکن است هنوز با تکالیفی که داده اید مشکل دارد و نمی تواند انجام دهد. ممکن است از لحاظ روحانی خسته شده باشد. موضوع دیگری را به سفره او اضافه کنید و فلج خواهد شد!

اما از طرفی، نیکی بدست آمده را باید محفوظ نگاه بدارید. من قبلاً در مورد آنکه متقاضی پس از گشایش ممکن است فکر کند آنچه نیاز دارد را بدست آورده، هشدار داده ام. به او بگوئید که گشایش تنها او را قادر به پذیرش پیشرفت های تازه کرده؛ گشایش تنها آغازی نوین است. گشایش، امکان را برای رسیدگی قاطع به مسائلی که پیش آمده، و افشای مسائلی که در خفا مانده اند را فراهم ساخته است. اما تمام این موضوعات را نمی توان باهم حل کرد.

در نتیجه آنچه لازم است به آن تمرکز نمائید، مقاوم ساختن آنچه تابحال بدست آورده اید می باشد، تا امکان برگشت از میان برداشته شود. به همین خاطر است که من تاکید کرده ام که روابط گذشته باید پاک شده، و راه های جدید جای راه های قدیم را گرفته باشند، و غیره. اینها همه عاملان ریشه دواندن و مستحکم کردن می باشند. اما این کار ها وقت لازم دارند تا پای بر جا بمانند. آنچه در این مرحله لازم می باشد، ترکیب و تحکیم است (در مرحله بعد نیز از این ترکیب و تحکیم صحبت خواهم کرد). این کوششی اساسی است که باید بکنید. نتیجتاً سعی کنید توجه متقاضی را بجای ترکیب و تحکیم آنچه در راه بدست آورده، با موضوعات دیگر منحرف ننمائید. همزمان با لزوم زمینه سازی پیشرفت های جدید، باید او را خاطر نشان بسازید که پیشرفت را نمی توان با زور بدست آورد. البته برنامه ریزی و اجرای دقیق کلام خدا لازم است، و شکی در آن نیست، اما اجرای این برنامه ها نیاز به صبر و حوصله دارد، چون متقاضی نه تنها آنها را باید اجرا نماید، بلکه در انتظار دریافت برکت و میوه روح القدس نیز باشد. هشداری که می دهم در این است که به این مطلب قبلاً رسیدگی بکنید تا مجبور تان نکنند همه مسائل را یکجا حل کنید. بسیاری از متقاضیان وقتی به قسمت برنامه ریزی کار می رسند، فکر می کنند حال که قدرتی در خود پیدا کرده اند، بهتر است هر چه زودتر به همه مسائل رسیدگی کنند. منظورم این است که باید حکمت بخرج دهید تا ظرفیت متقاضی را در نظر گرفته باشید. بعضی متقاضیان ممکن است بیشتر اشتیاق داشته باشند تا اطلاعات و امکانات. دیگر کسان ممکن است کار های بیشتری را بتوانند در زمان کوتاه تری انجام رسانند. اما در طول تمام جلسات شما باید مشغول برآورد این خصوصیات باشید، تا زمانی که متقاضی شما به نقطه عطف رسید، بتوانید بدانید چه قدر با او پیش بروید، و او را از چه موضوع هایی بر حذر بدارید تا "سرسام" نیابد.

اما اجباراً باید بگویم (برای کسانی که می جویند اشکالی در حرف هایم پیدا کنند) منظور من این نیست که جلوی پیشرفت روحانی متقاضی را بگیرید، بلکه می گویم آنچه ساخته می شود باید بر روی زیر بنای قوی استوار گردد. شما لازم است تمام کوشش خود را صرف تحکیم و تثبیت آنچه تا بحال بدست آمده بکنید. آنچه در پیش است طریق تازه زندگی در این دنیا است، اما توجه نیز داشته باشید که شیطان نیز در دنیا حضور دارد، و طریق زندگی مسیحی می تواند عادی شده مانند طریق زندگی بی ایمانان دیگر نیز بشود. وقتی زندگی عادی شده و روال "روزمه" خود را می گیرد، جنبه روحانی آن از میان رفته و به حال دنیوی تازه ای، رشد می کند. آنچه حال باید آغاز

کنید، زیر بنای محکمی است (جوانب روحانی)، که زندگی مسیحی آینده را خاطر نشان می سازد(۲).

وقتی به مرحله بعد که مربوط به اهداف پایانی می باشد برسید، خواهید دید که دوباره در خصوص پیشرفت سریع هشدار خواهم داد. اما متوجه نیز خواهید شد که من انتظار پیشرفت های زیادی را پس از پایان جلسات مشاوره خواهم داشت. در آن قسمت من متقاضی را تشویق می کنم موضوعی را خود به آن رسیدگی نماید. و امیدوارم بتوانم کمک کنم تا او را بخاطر همین، قبل از پایان جلسات آماده کنید. همچنین پیشنهاد هائی را خواهم کرد برای پیگیری از آن، تا اگر اشکالی پیش آمد، نه تنها آن را از میان بردارید، بلکه آموزش تازه ای را به متقاضی بدهید. ولی این مربوط به مرحله بعد است. آن را اینجا مطرح کردم تا بدانید این پایان کار نیست. اما لازم است مرحله بعد از گشایش را زمان تعمق، تفکر، و برآورد و ذخیره موجودیت بنمائید. اگر این کار را بتوانید انجام دهید، کار بزرگی کرده اید، شاید بیش از آنچه خود یا متقاضی شما تصور می کنید. اساس کار این است که متقاضی را به جانبی هدایت کنید که نه می خواهد، و نه می تواند، به راه های قبل برگردد. در این مرحله که هنوز در آن هستیم، این کار اساسی شما است.

حال ممکن است برسید مرحله پس از گشایش چه مدت ادامه خواهد یافت تا به پایان مشاوره برسید. من راجع به آن در مرحله بعد صحبت خواهم کرد، اما اینجا می توانم بگویم که باید هر اندازه که لازم باشد آن را ادامه بدهید تا طرق جدید زندگی که بدست آمده، ریشه دوانده و مستحکم بگردد، اما نه بیشتر. راه انجام کار اولی، بدون آنکه به دومی برسید این است که موقعیتی را ایجاد کنید (موقعیت واقعی که مربوط به محیطی که متقاضی در آن زندگی می کند باشد) تا آنچه آموخته را بخود و شما نشان بدهد که می تواند بکار ببرد. درجه موفقیت او نشانگر زمان لازم برای ادامه مرحله خواهد بود. البته هر دو می خواهید مشاوره زودتر به پایان برسد، اما نه قبل از آنکه متقاضی امکان استفاده از آنچه آموخته را بدست آورده باشد، و شکی در آن بجای نماند. ”معمولاً“ (و به محدود بودن این واژه توجه کنید) برای مشاوران کار آزموده شش هفته لازم است(۳). بعضی متقاضیان زمان بیشتری را برای انجام کار لازم خواهند داشت و بعضی همان اندازه را برای تحکیم و تثبیت. شما این برداشت را لازم خواهید داشت بدست بی آورید و در این کار حکمت بخرج بدهید.

در خلاصه بگذارید بگویم که در این مرحله نیاز بزرگی به حکمت مشاور است. در مورد وقت لازم و اندازه پیشرفتی که صحبت از آن می کنیم، آیاتی وجود ندارد. با این وجود، اصلی که در کلمه پیشرفت پنهان شده این است مردم آمادگی چیز تازه ای را در زندگی ندارند، مگر آنکه چیز دیگری قبلاً رُخ داده باشد:

اول تیموتاوس ۴

۱۵: در این امور بکوش و خود را به تمامی وقف آن کن تا پیشرفت تو بر همه آشکار شود.

پیشرفت را بر اساس آنچه قبلاً دیده اند می شمارند. این مباحث را در نظر بگیرید، اگر نه شاهد خراب شدن همه چیز خواهید بود چون زیر بنا ضعیف بوده است. متقاضی خود را محکم و ثابت بسازید. آنوقت می توانید به مرحله آخر قدم بردارید.

فهرست زیر نویس های فصل سیزدهم

- (۱) متقاضیانی که مشاوران کارآموده را در انجام خدمت مشاهده کرده اند شهادت می دهند که همه کارشان را تقریباً اتوماتیک (بشکل خودکار) انجام می دهند. اما می توانید اطمینان داشته باشید که آنچه امروز بطور اتوماتیک انجام می دهند، در آغاز اینگونه نبوده. مانند شما، آنها نیز لازم داشته اند هر یک از قسمت ها را مطالعه کنند و بعد بهم متصل نمایند. در حقیقت، مشاوران کاردان نیز ممکن است پس از خواندن این مطالب، شهادت دهند که آن مرور خوبی برایشان بوده است.
- (۲) مسیحیان هر یک فرزندان خدا هستند و تنها بخاطر جلال خدا زندگی می کنند. خدا اول و آخر است. زمان ما در دست خدا است و مانند او تا ابد زنده خواهیم بود. چون زندگی ما در این دنیا است و بیشتر افکار و رفتار ما مانند دنیا است، دلیل بر آن نمی شود که خدا را فراموش کنیم و مقصود خود را تغییر دهیم. ضعف هایمان را باید در نظر داشته و روزانه به دعا و مطالعه کلام، خود را مشغول بداریم.
- (۳) مشاور تازه کار ممکن است وقت بیشتری را مصرف کند. اما هیچگاه نباید تجربیات گذشته او معیار خدمات آینده اش گردد. در وقت لازم برای کسب تجربیات، خود متوجه خواهد شد که زمان رسیدگی به هر نوع مسئله کوتاه تر می گردد. در این مقطع باید هشدار بدهم که ماهیت کار، ملاک خدمت است، نه مدتی که بطول می انجامد. ماهیت کار نیز لازم به بررسی دائم مشاور از کارش دارد.